



راه آشنا

پرسید و جواب بگیرید

محمد امین عرفان

*** برخی افراد بی حجاب می گویند، دل باید پاک باشد. وگرنه بسیاری از زنان بدکاره هم چادر می پوشند.**

بخش اول سخن ایشان را تایید می کنیم و قسمت دیگر آن را رد نمی کنیم؛ ولی ترکیب این دو و نتیجه ای را که از آن گرفته اند، نمی پذیریم. بدون تردید، عفت درون و طهارت باطن، اصل اول و مهم تر از پوشش ظاهری است. این نکته را نیز باور داریم که بسیاری از بانوان بدون حجاب کامل اسلامی، زنانی پاک دامن هستند، و از سوی دیگر برخی از زنانی که با پوشش چادر ظاهر می شوند، افرادی پلید و ناپاکند؛ ولی وجود چنین افرادی هیچ گاه دلیل بر جواز بی حجابی نیست. حجاب، با دهها دلیل عقلی و دینی به اثبات رسیده و بی حجابی نیز با همان حجم از دلیل رد شده است. ما حق نداریم در نگاه به افراد اطرافمان درباره یک حکم کلی شرعی قضاوت کنیم. درباره این دو گروه می توان گفت: اگر این زنان پاک دامن، با حجاب اسلامی ظاهر می شدند، افزون بر اجر معنوی، نقش موثرتری در هدایت و سعادت جامعه داشتند. زنان چادری آلوده دامن نیز در پوشش چادر، تنها ظاهر پلید رفتارشان را پنهان کرده اند و نمی توان به دلیل وجود اندک اینان، نقش تاثیرگذار حجاب اسلامی را در حفظ عفت عمومی نادیده گرفت.

*** ارتباط با بستگانی که حجاب را رعایت نمی کنند چه حکمی دارد؟**

رفت و آمد با چنین خویشاوندانی با چند شرط بودن اشکال است:

۱. این ارتباط، اسباب به گناه افتادن ما را فراهم نکند؛

۲. رفت و آمدها تنها در حد انجام فریضه صله رحم باشد نه بیش تر؛

۳. ارتباط ما با آن ها، تایید رفتار و کردارشان را در پی نداشته باشد.

در هر حال باید آنان را با زبانی خوش و همواره با استدلال و منطق به پوششی شایسته و اسلامی دعوت کرد.

*** آیا پوشیدن چادر مشکی در حال نماز و غیر آن کراهت دارد؟**

چادر مشکی زنان، حکمی همانند عبا ی مردان را دارد و کراهت پوشیدن لباس سیاه از آن استثنای شده است.

*** برخی از زنان در مراعات حدود حجاب، درباره بستگانی چون برادر شوهر، پسر عمو، پسر خاله و... با دیگر نامحرمان تفاوت قائلند، آیا این امر درست است؟**

خیر، در رعایت پوشش اسلامی و صحبت کردن با نامحرمان تفاوتی میان خویشاوندان با دیگر نامحرمان وجود ندارد. این باور غلط از تفاوت برخی از احکام اسلام درباره خویشاوندان و تعمیم آن به همه مسایل شرعی ریشه قرار گرفته است؛ در حالی که گستره مسایل و احکام اسلام، بسیار متنوع و فلسفه وجودی هر کدام متفاوت است.

از سوی دیگر، اموری چون محرم و نامحرم مرتبه بردار نیستند. برای تبیین این سخن به دو مثال بنگرید: نور شمع در برابر نور خورشید، اگر چه غیرقابل قیاس است، اما هر دو، نور شمرده می شود؛ یکی ضعیف و دیگری با پرتوی بسیار گسترده؛ یکی کم نور و دیگری پر نور؛ یعنی می توان در برابر مراتب مختلف نور، تعریف و توصیف و احکامی جداگانه آورد اما در مقایسه دو جسد که یکی بر اثر جراحت شدید تصادف جان باخته و دیگری فقط به دلیل سکت قلبی، آیا می توان گفت که یکی مرده تر است یا دیگری اندکی زنده تر؟! افراد پیرامون ما، غیر از زن و شوهرها - که احکام و ضوابط ویژه خود دارند - یا به ما محرمند یا نامحرم، و در فقه و فرهنگ اسلامی اصطلاحاتی هم چون محرم تر یا نامحرم تر نداریم. از این رو باید در برابر نامحرم چه آشنا و چه بیگانه حدود مشخص حجاب و صحبت کردن رعایت شود.

*** چرا می گویند چادر حجاب برتر است؟**

برای تبیین این موضوع ابتدا اشاره ای کوتاه به فلسفه حجاب می کنیم؛ حجاب دو فلسفه اساسی دارد. ۱. مصونیت زن در برابر طمع ورزی های هوس رانان. ۲. تامین بهداشت و سلامت معنوی جامعه با پیش گیری از تحریکات شهوانی خارج از هنجارهای الهی. اکنون با توجه به این موضوع باید دید چه عواملی در ایفای این نقش ها تاثیر مهمی دارند؟

۱. حدود و میزان پوشش: بدون تردید، هر اندازه بدن زن پوشیده تر باشد، نقش نیرومندتری در دورسازی دیدگان نظاره گر ایفا می کند. اگر نگاه های آلوده را هم چنان که در روایات آمده تیرهای زهر آلود شیطان بدانیم، پوشش زن همانند قوسی است که تیر از آن کمانه کرده و منحرف می شود و از اصابت و نفوذ در هدف باز می ماند. از همین رو چادر را حجاب برتر دانسته اند، زیرا با وجود شرایطی دیگر، بیش ترین پوشش و مطمئن ترین مصونیت را به همراه دارد.

۲. کیفیت پوشش: میزان ضخامت و حتی کیفیت دوخت لباس، خود تامین کننده بخش مهمی از فلسفه حجاب است. لباس های نازک و تنگ و بدن نما حتی اگر حجم کامل بدن را پوشانده باشد باز تحریک کننده است و فسادآور، اما در طراحی چادر به این نکات توجه شده و این پوشش از این آفت ها مصون است.

۳. رنگ ها: برخی رنگ ها دیدگان را خیره می سازد و پاره ای دیگر نگاه ها را از خود می راند. اکنون سوال می شود کدام یک از این دو برای تامین حجاب واقعی، خیره نکردن چشم ها و بر نیفر وختن آتش شهوت مفیدتر است؟